



Linguistic Studies of Islamic Text

Vol. 2, NO. 1, 2025

A Comparative Study of Equivalence of Absolute Object Translation in Nahjul-Balagha Based on Text-Based Criticism, Case Study: Maadikhah and Dashti's Translation

Seyyed Mohammad Razi Mostafavinia¹ Khodabakhsh Mehraban Gihaani²

¹Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran
mr.mostafavinia@qom.ac.ir

² Master's Student, Arabic Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran
mr.mehraban5296@gmail.com

Abstract

Nahj al-Balagha, this precious legacy of Islamic and Shiite culture, is a unique collection of sermons, letters, and aphorisms of Imam Ali (peace be upon her) that has inspired thinkers, religious scholars, writers, and researchers in various fields of humanities and religion for centuries. This great work, in addition to its high spiritual and divine value, is considered a treasure trove of moral, educational, political, social, and epistemological teachings, and has found a unique place in religious studies, linguistics, and even translation studies. A deep understanding and accurate interpretation of this magnificent work requires mastery of the nuances of classical Arabic and a thorough familiarity with its syntactic and expressive structures. One of the most important challenges facing Persian-speaking translators and interpreters is how to correctly convey syntactic structures such as the "absolute object"; because this structure is considered a special feature of the Arabic language and in translation into Persian, it requires double precision, precise semantic understanding, and a deep understanding of the style and syntax of the original text in order to correctly convey the message and spirit of the Imam's words. This research aims to conduct a comparative study of the equivalence of the absolute object in two famous translations of Nahj al-Balagha, by Abdul Majid Maadikhah and Mohammad Dashti. In this research, an attempt has been made to analyze and compare the different ways of translators in representing the absolute object, using a descriptive-analytical approach and relying on text-based criticism. The basis of text-based criticism here is that the analysis and evaluation of translated texts, regardless of the chain of documents or traditional assumptions, should be carried out solely on the basis of the structure of the text and the content reflected in the translations. In this regard, linguistic, syntactic, and stylistic differences in the rewriting of the absolute object have been examined. The present study, while emphasizing the importance of the syntactic role of the absolute object in accurately conveying meaning, recommends that translators pay attention to audience-centeredness and conceptual transfer in translating religious texts, especially texts with literary and spiritual significance such as Nahj al-Balagha, in addition to linguistic accuracy.

Keywords: Nahjul-Balagha, absolute object, Ma'adikhah and Dashti, text-based criticism, translation.

Received: 2024/12/21 ; Received in revised form: 2025/1/07 ; Accepted: 2025/01/21 ; Published online: 2025/04/25

Publisher: Islamic Azad University of Qom Article type: Research Article © The Author(s).



فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی متون اسلامی

سال ۲، شماره ۱، ۱۴۰۴

بررسی تطبیقی معادل یابی ترجمه مفعول مطلق در نهج البلاغه بر اساس نقد متن محور، مطالعه‌ی موردی: ترجمه معادی خواه و دشتی

سید محمد رضی مصطفوی نیا^۱، خدابخش مهربان گیاهانی^۲

^۱ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، قم، ایران. mr.mostafavinia@qom.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم، قم، ایران. mr.mehraban5296@gmail.com

چکیده

نهج‌البلاغه، این میراث گران‌بهای فرهنگ اسلامی و شیعی، مجموعه‌ای بی‌همتا از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امام علی (علیه‌السلام) است که قرن‌هاست الهام‌بخش اندیشمندان، عالمان دینی، ادیبان، و محققان در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و دینی بوده است. این اثر سترگ، افزون بر ارزش والای معنوی و الهی، گنجینه‌ای سرشار از آموزه‌های اخلاقی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و معرفتی به شمار می‌آید و جایگاهی کم‌نظیر در مطالعات دین‌پژوهی، زبان‌شناختی و حتی پژوهش‌های ترجمه‌شناسی یافته است. درک عمیق و تفسیر دقیق این اثر فاخر، نیازمند تسلط بر ظرایف زبان عربی کلاسیک و آشنایی کامل با ساختارهای نحوی و بیانی آن است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مترجمان و مفسران فارسی‌زبان، نحوه‌ی انتقال صحیح ساختارهای نحوی چون «مفعول مطلق» است؛ چراکه این سازه، از ویژگی‌های خاص زبان عربی به شمار می‌رود و در ترجمه به زبان فارسی، مستلزم دقتی دوچندان، درک معنایی دقیق و شناخت عمیق از سبک و سیاق جمله‌بندی متن اصلی است تا پیام و روح کلام امام به درستی منتقل شود. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی معادل‌یابی مفعول مطلق در دو ترجمه مشهور از نهج‌البلاغه، اثر عبدالمجید معادی‌خواه و محمد دشتی، انجام شده است. در این پژوهش تلاش شده است با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر نقد متن‌محور، شیوه‌های مختلف مترجمان در بازنمایی مفعول مطلق تحلیل و مقایسه شود. مبنای نقد متن‌محور در اینجا آن است که تحلیل و ارزیابی متون ترجمه‌شده، صرف‌نظر از سلسله‌سندها یا پیش‌فرض‌های سنتی، صرفاً بر اساس ساختار متن و محتوای بازتاب‌یافته در ترجمه‌ها صورت پذیرد. در همین راستا، تفاوت‌های زبانی، نحوی و سبکی در بازنویسی مفعول مطلق مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر ضمن تأکید بر اهمیت نقش نحوی مفعول مطلق در انتقال دقیق معنا، به مترجمان توصیه می‌کند در ترجمه متون دینی، به‌ویژه متونی با بار ادبی و معنوی همچون نهج‌البلاغه، علاوه بر دقت زبانی، به مخاطب‌محوری و انتقال مفهومی نیز توجه داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، مفعول مطلق، معادی خواه و دشتی، نقد متن‌محور، ترجمه.

۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی یکی از شاخه‌های نسبتاً نوپای پژوهش‌های ادبی است که از قرن نوزدهم میلادی در اروپا رواج یافت. این رویکرد به‌جای تمرکز صرف بر متن ادبی، به مطالعه ارتباطات و تأثیرات میان ادبیات کشورهای مختلف می‌پردازد. برخی پژوهشگران دامنه‌ی ادبیات تطبیقی را فراتر از مقایسه ادبیات ملی دانسته و آن را شامل رابطه ادبیات با سایر هنرهای زیبا و علوم انسانی از جمله فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی و حتی روان‌شناسی دانسته‌اند. این نگرش میان‌رشته‌ای، بر ظرفیت ادبیات تطبیقی برای تفسیر و تحلیل پدیده‌های فرهنگی و فکری تأکید می‌کند.

در واقع، هدف اصلی از مطالعه تطبیقی ادبیات، درک بهتر متون از طریق شناخت پیوندهای فرهنگی، زبانی و سبکی بین آن‌هاست. پژوهشگری که در این عرصه فعالیت می‌کند، همچون ناظری در مرزهای زبان و فرهنگ ملی عمل کرده و تلاش می‌کند تعاملات فکری و زبانی میان ملت‌ها را به دقت ثبت و بررسی کند. در این میان، یکی از کارکردهای کلیدی این حوزه، تقویت روحیه نقد و تحلیل در میان پژوهشگران است؛ زیرا مقایسه متون مختلف، افق‌های تازه‌ای برای دریافت معنا فراهم می‌سازد.

۲. نقد متن محور

نقد متن محور، رویکردی است که به‌جای تمرکز بر سند، مؤلف، یا زمینه‌های تاریخی، مستقیماً خود متن را به‌عنوان منبع تحلیل در نظر می‌گیرد. این روش در مطالعات دینی نیز رواج دارد؛ به‌ویژه در نقد احادیث، که در آن گاه بدون توجه به اعتبار سلسله سند، متن حدیث بر اساس اصول عقلی یا تطبیق با سایر منابع دینی

تحلیل می‌شود. در پژوهش‌های ادبی نیز، نقد متن محور به بررسی لایه‌های زبانی، بلاغی، نحوی و معنایی یک متن می‌پردازد تا اصالت، عمق یا کارکرد آن را مشخص سازد.

(نقد حدیث روش‌هایی دارد یکی از این انواع روش‌ها نقد متن محور است که با دو ملاک ادله عقلی و نقلی صورت می‌پذیرد. منظور از نقد متن محور، بررسی و ارزیابی یک حدیث بدون توجه به سند آن و اتصال زنجیره سند میباشد و آن ارزیابی‌ای است که صرفاً براساس متن حدیث صورت می‌پذیرد. برای نقد متن محور معیارهایی وجود دارد که میتوان آن‌ها را به دو بخش تقسیم کرد:

۱- نقد متن حدیث براساس کتاب و سنت (معیارهای نقلی)

۱- نقد متن حدیث براساس ادله لیبی (معیارهای عقلی). (فتح الهی، ۱۳۹۴)

اما مقصود از نقد متن محور در ادبیات یعنی اینکه متن و نص محور اصلی نقد مورد بررسی قرار بگیرد.

۳. اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش، بررسی میزان دقت از آقایان دشتی و معادی خواه در معادل‌یابی انواع مفعول مطلق از زبان عربی به فارسی می‌باشد، که می‌تواند باعث سهولت امر مترجمی برای سایر مترجمان در این زمینه باشد.

۳-۱. روش پژوهش

در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی ترجمه مفعول مطلق در نهج البلاغه از آقایان دشتی و معادی خواه پرداخته شده است.

۴. پیشینه پژوهش

در حوزه ترجمه مفعول مطلق در متون دینی، به‌ویژه نهج البلاغه، پژوهش‌های محدودی انجام شده‌اند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسنعلی شاه‌نظری در دانشگاه قم است که ترجمه‌های معادی‌خواه و شهیدی را با تمرکز بر مفعول مطلق تحلیل کرده است. همچنین سید سعید ملکوتی در پژوهشی جداگانه در دانشگاه تربیت مدرس، به بررسی برابرنهادهای مفعول مطلق در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم پرداخته و دسته‌بندی جامعی از اقسام مفعول مطلق، از جمله نوعی، عددی و تأکیدی ارائه کرده است.

توضیحات این پژوهش‌ها به شرح ذیل است:

از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای آقای حسنعلی شاه‌نظری با عنوان «بررسی مفعول مطلق در ترجمه نهج البلاغه (مورد پژوهی: ترجمه معادی‌خواه و شهیدی)» اشاره کرد که در پاییز ۱۳۹۵ تحت راهنمایی دکتر رسول دهقان‌ضاد در دانشگاه قم دفاع شده است. این پژوهش به صورت خاص به بررسی ترجمه مفعول مطلق در ترجمه‌های معادی‌خواه و شهیدی از نهج البلاغه پرداخته است.

پایان‌نامه ایی در مقطع کارشناسی ارشد در موضوع (نقد و بررسی برابرنهادهای مفعول مطلق در قرآن کریم) از آقای سید سعید ملکوتی در سال ۱۳۷۹ و در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است. نویسنده در این پژوهش سه فصل را با این عنوان‌ها: فصل اول، مفعول مطلق در نحو عربی: تعریف مفعول مطلق، عامل مفعول مطلق، اقسام مفعول مطلق، نایب مفعول مطلق، و... فصل دوم، ترجمه‌ی انواع مفعول مطلق: پیشینه‌ی مفعول مطلق در فارسی، ترجمه‌ی مفعول مطلق نوعی، ترجمه‌ی مفعول مطلق عددی، ترجمه‌ی مفعول مطلق تأکیدی، ترجمه‌ی

نایب مفعول مطلق، ترجمه ی مفعول مطلق برای فعل محذوف و فصل سوم، بررسی سراسری برابرنهادهای مفعول مطلق در ترجمه های منتخب قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده است.

علاوه بر این ها، پژوهش‌های متعددی نیز به بررسی مفعول مطلق در قرآن کریم پرداخته‌اند که نشان از اهمیت این مبحث در دستور زبان عربی و ترجمه متون دینی دارد از جمله:

مقاله ایی در موضوع (بررسی ترجمه و معادل ساختاری مفعول مطلق با محوریت ترجمه فولادوند (بررسی موردی سوره نساء) از حسین‌خانی کلقائی و کوثر حلال‌خور که در مجله دو فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی سال ۵ شماره ۱۲ بهار و تابستان ۹۴ به چاپ رسیده است. نویسنده در این پژوهش مفعول مطلق را که از جمله نقش های نحوی می باشد که در زبان فارسی شباهت ساختاری ندارد بر مبنای معادل ساختاری آن با زبان فارسی (یعنی قید با انواع مختلف آن) معادل سازی کرده است.

و مقاله ایی در موضوع (تحلیل تطبیقی اشکالات نحوی ترجمه قرآن حداد عادل و فولادوند: مطالعه موردی: مفعول مطلق) از محمد حسن امرائی و یحیی معروف در نشریه مطالعات سبک شناسی قرآن کریم. پاییز و زمستان ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. که نویسنده ضرورت انجام این پژوهش را نارسایی ترجمه حداد عادل و فولادوند، در برگردان انواع مفعول مطلق می داند تا جایی که ادبیات این ترجمه‌ها در برخی موارد دچار عربی‌زدگی ساختاری گردیده است.

۵. مفعول مطلق

(عنوان مورد بحث یک ترکیب وصفی و مشتمل بر دو لفظ مفعول و مطلق است. مفعول، اسم مفعول از ماده فعل و در لغت به معنای معمول و انجام یافته است (الفعل: کنایه عن کل عمل متعد او غیر متعد)) (محمد، ۱۴۰۵: ۵۲۸) (توصیف مفعول، به وصف مطلق به این جهت است که هم چون سایر مفاعیل مقید به قیدی نیست؛ مانند: مفعول به که قید به دارد و مفعول معه که مقید به معه است؛ لذا اطلاق در مفعول مطلق در مقابل تقیید در سایر مفاعیل است.) (حسن، ۱۹۳) (علی، ۱۴۱۹: ۶۲۵: ۱۴۱۹: ۶۲۵)

((و مطلق نیز اسم مفعول باب افعال از ماده طلق و در لغت به معنای آزاد و رها شده است (أطلقت الأسیر إذا حللت إساره و خلّیت عنه)). (فیومی، ۱۴۰۵: ۳۷۶) ((در اصطلاح نحو مفعول مطلق، مصدری است که تأکید کننده عامل خود یا بیان کننده نوع یا عدد آن باشد؛)) (سیوطی، ۱۴۱۷: ۲۲۱) همانند آیه ((وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا)) (نساء، ۱۶۴) در اینجا فعل كَلَّمَ عامل و تَكْلِيمًا مفعول مطلق و مصدر تأکید عامل می باشد.

((مفعول مطلق از نظر غرض و فائده معنایی به سه قسمت تقسیم می شود. صاحب النحو الوافی قسم چهارمی را که بیان نوع و عدد با هم است، بدان اضافه می کند و معتقد است در هر چهار قسم، معنای تأکید وجود دارد)) (حسن، ۱۴۲۸: ۱۹۶-۱۹۷)

اگر در کنار مصدر ذکر شده از جنس فعل، صفت و یا مضاف الیه نیاید، مفعول مطلق تأکیدی است. (وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا) (نساء، ۱۶۴) حالا اگر در کنار مصدر مفعول مطلق، صفت و یا مضاف الیه بیاید، باید به آن مفعول مطلق نوعی یا بیانی گفت همانند (فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا) که در ترجمه از قید تشبیه استفاده می شود

گاهی اوقات مفعول مطلق برای تعیین کردن تعداد دفعات انجام فعل می‌آید که در این حالت مصدر همراه با (ه) می‌آید که به این نوع مفعول مطلق، مفعول مطلق عددی گویند. همانند (ضَرَبْتُ ضَرْبَةً) و برخی از مصادر به علت کثرت تکرار بدون فعل به کار می‌روند، در واقع فعلشان محذوف است مانند. (جِدًّا، حَقًّا، مَعَاذَ اللَّهِ، صَبْرًا، مَهْلًا، شُكْرًا) این مصادر نیز ممکن است جزء ارکان اصلی جمله باشند و نقشی غیر از مفعول مطلق داشته باشند.

۶. زندگی نامه شعراء:

عبدالمجید معادی خواه در سال ۱۳۲۶ش در قم به دنیا آمد. روحانی، سیاستمدار، قاضی شرع دادگاه انقلاب، نمایندگی مردم تهران در نخستین مجلس شورای اسلامی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ریاست بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، در نوجوانی به آموزش متون دینی و حوزوی پرداخت تحصیل علوم دینی را از سال ۱۳۳۸ آغاز کرد و از محضر آیات اعظام فشارکی، آیت‌الله ستوده، محقق داماد و حائری بهرمنند شد. پس از گذراندن مقدمات عربی، ادبیات، فقه و اصول نزد استادان برجسته آن زمان تا مرز اجتهاد پیش رفت و از سال ۱۳۴۶ش تا زمان پیروزی انقلاب دو بار توسط عوامل رژیم شاه بازداشت و به شهرهای گنبد کاووس، سیرجان و جیرفت تبعید گردید و بیش از سه سال در زندان‌های قصر، اوین و قزل قلعه گذراند. وی سال ۴۹ در یک سخنرانی فرمود که: ((ما اصولاً با تمام حکومت‌های ساخته و پرداخته افکار پوچ و غلط مخالفیم و حکومت‌های خدائی باید جانشین این‌ها سازیم)). (کردی، ۱۳۷۸: ۱۴۹)

ایشان دارای آثاری ارزشمند چون فرهنگ آفتاب، خورشید بی‌غروب نهج البلاغه، خط و فرهنگ حکومت اسلامی، خط و فرهنگ رژیم‌های استکباری

، فروغ بی‌پایان، شکوه تنهایی در سکوت ربذه، مجموعه تاریخ اسلام، عرصه دگراندیشی و گفت و گو می باشد.

محمد دشتی در سال ۱۳۳۰ در شهرستان محمودآباد دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۳۴۳ وارد حوزه علمیه قم شد و دروس خارج فقه را خدمت آیه‌الله جوادی آملی و آیه‌الله مکارم شیرازی و یک دوره اصول را خدمت آیه‌الله میرزاهاشم آملی فرا گرفت. در فلسفه، کتاب اشارات را خدمت آیه‌الله حسن‌زاده آملی، کتاب اسفار اربعه را خدمت آیه‌الله جوادی آملی فرا گرفت. استاد دشتی از بنیانگذاران مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع) بود. وی در تحقیقات خود، به عقاید اسلامی، فلسفه احکام، و ارزیابی پیرامون حدیث و نهج‌البلاغه، اولویت داد که در این زمینه، از مجموعه ۱۱۰ جلدی آثار استاد دشتی، حدود ۷۰ اثر چاپ و منتشر شده و بقیه در حال نشر است. مرحوم دشتی در اردیبهشت ۱۳۸۰ش، در تهران دار فانی را وداع گفت و پیکرش در حرم مطهر حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها به خاک سپرده شد.

۷. شیوه ترجمه ی مترجمین

در تحلیل سبک ترجمه دو مترجم مورد بررسی، یعنی محمد دشتی و عبدالمجید معادی‌خواه، تفاوت‌های مهمی در رویکرد، زبان و هدف ترجمه قابل مشاهده است.

ترجمه نهج‌البلاغه توسط محمد دشتی بر پایه‌ی ساده‌سازی مفاهیم و انتقال روان و مخاطب‌محور آموزه‌ها تنظیم شده است. وی با بهره‌گیری از زبان امروزی، ساختار ترجمه را به گونه‌ای سامان داده که برای عموم خوانندگان قابل درک و ارتباط‌پذیر باشد (ناظمیان، ۱۳۹۱، ص ۲۳۷). افزون بر این، ترجمه وی با اشاره مستقیم به مخاطبان امام علی (ع) و تنظیم نحوی خاص، سعی دارد صراحت و

شفاهیت بیانات را به زبان فارسی منتقل کند. این سبک ترجمه، اگرچه از منظر ارتباطی مؤثر واقع می‌شود، اما گاه به حذف برخی از ساختارهای بلاغی و نحوی از جمله «مفعول مطلق» منجر شده است (مسعودی و فلاح‌زاده، ۱۳۹۲).

در نقطه مقابل، معادی‌خواه در ترجمه خود، گرایش بیشتری به زبان‌محوری و وفاداری به ساختار نحوی متن عربی دارد. او از شیوه ترجمه‌ای نسبتاً آزاد اما همراه با دقت در بازنمایی استعاره‌ها، نکات صرفی و نحوی و همچنین عناصر بلاغی بهره برده است. به‌ویژه در انتقال مفعول مطلق نوعی، وی از قیود تشبیهی مانند «چون»، «چونان»، «بسان» و... به‌گونه‌ای استفاده کرده که هم لحن ادبی حفظ شود و هم ساختار نحوی متن عربی تا حد ممکن در زبان فارسی بازتاب یابد.

نکته مهم در رویکرد معادی‌خواه آن است که در بسیاری از موارد، تلاش کرده تا وفاداری به زبان مبدأ را در کنار درک معنای جمله حفظ کند؛ ویژگی‌ای که در ترجمه متون دینی با محتوای عمیق کلامی و بلاغی، اهمیت دوچندانی دارد (میمندی‌نژاد، ۱۳۵۸، ص ۱۶۷). از این رو، در بررسی تطبیقی، می‌توان گفت دشتی بیشتر به سمت روانی و مخاطب‌محوری رفته، در حالی که معادی‌خواه وفاداری معنایی و بلاغی به متن اصلی را مد نظر داشته است.

۸. بررسی ترجمه مفعول مطلق

(۱) أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِِنْشَاءً. (خطبه، ۱)

معادی‌خواه: «آفریدگان را به گونه‌ای پدید آورد که ناشناختنی است».

دشتی: «خلقت را آغاز کرد».

در این عبارت، مصدر «إِنْشَاءً» مفعول مطلق فعل «أَنْشَأَ» است که برای تأکید بر اصل آفرینش و نحوه ایجاد موجودات به‌کار رفته است. معادی‌خواه با

به کارگیری تعبیر «به گونه‌ای پدید آورد که ناشناختنی است»، کوشیده تا بار معنایی تعجب و عظمت را به خواننده منتقل کند؛ اگرچه معادل‌سازی مستقیم برای مفعول مطلق انجام نداده است. در مقابل، دشتی ترجمه‌ای ساده با حذف این ساختار آورده و صرفاً به «خلقت را آغاز کرد» اکتفا کرده که فاقد انعکاس مفعول مطلق تأکیدی است.

ترجمه پیشنهادی که متناسب باشد: «آفرینش را به بهترین شکل آغاز کرد.»

(۲) وَعَصَفَتْ بِهٖ عَصْفَهَا بِالْفَضَا. (خطبه، ۱)

معادی خواه: «و آب را به فضا می‌پراند.»

دشتی: «با همان شدت که در فضا وزیدن داشت.»

در این خطبه، کلمه «عصفها» مفعول مطلق نوعی برای فعل «عصفت» محسوب می‌شود. با توجه به جنبه تشبیهی موجود در مصدر، انتظار می‌رود ترجمه‌ها از قیود تشبیهی (مانند «چون» یا «بسان») استفاده کنند.

معادی خواه «و آب را به فضا می‌پراند» را به کار برده است که فاقد انتقال عنصر نوعی و بلاغی مفعول مطلق است. دشتی نیز در ترجمه‌اش با عبارت «با همان شدت که در فضا وزیدن داشت»، نه تنها مفعول مطلق را بازتاب نداده بلکه ساختار جمله را به گونه‌ای تغییر داده که معنای اصلی تحت‌الشعاع قرار گرفته است

ترجمه پیشنهادی: «و آب را همچون باد به فضا می‌پراند.»

(۳) وَقَامَ مَعَهُ بَنُو أُمِّيهِ يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ. (خطبه، ۳)

معادی خواه: «و همراه پدرزادگانش همسان اشتران که گیاه بهاره را نشخوار

می‌کنند به ثروت عمومی یورش آوردند»

دشتی: «و خویشاوندان پدری او از بنی امیه بپاخواستند و همراه او بیت المال را

خوردند و برباد دادند، چون شتر گرسنه ایی که بجان گیاه بهاری بیفتد «

در این عبارت، مصدر «خِضْمَةُ» که به «نِبْتَةُ الرَّبِيعِ» اضافه شده، مفعول مطلق نوعی است که حالت تشبیهی شدیدی دارد. هر دو مترجم ترجمه‌ای تصویری ارائه داده‌اند، اما هیچ‌کدام به صراحت جایگاه مفعول مطلق را حفظ نکرده‌اند.

معادی خواه ترجمه‌ای نسبتاً نزدیک به مضمون بلاغی داشته و تعبیر «همسان اشتران» را به کار برده است. دشتی نیز مفهوم را به صورت «چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد» منتقل کرده که بیانگر شدت طمع بنی‌امیه است. ترجمه پیشنهادی: «پدرزادگانش به همراهش همانند اشتران بر اموال بیت المال حمله ور می‌شوند».

(۴) وَاللَّهِ مَا كَتَمْتُ وَشَمَمْتُ وَلَا كَذَبْتُ كَذِبَةً. (خطبه، ۱۶)

معادی خواه: «به خدا سوگند که هیچ حقیقتی را کتمان نمی‌کنم و سخن نادرستی نمی‌گویم.»

دشتی: «به خدا سوگند، کلمه ایی از حق را نپوشاندم، هیچ‌گاه دروغی نگفته‌ام» در این عبارت، «كَذِبَةً» مفعول مطلق برای فعل «كَذَبْتُ» است. دشتی ترجمه خود را با «هیچ‌گاه دروغی نگفته‌ام» ارائه کرده که به لحاظ معنایی به مفعول مطلق نزدیک است. معادی‌خواه نیز با فعل مضارع «نمی‌گویم» به ترجمه پرداخته، اما ساختار خبری او موجب از بین رفتن جنبه تأکیدی و نحوی مفعول مطلق شده است.

از منظر نقد متن‌محور، ساختار نحوی عربی به روشنی پیام صداقت مطلق گوینده را منتقل می‌کند؛ بنابراین، در ترجمه نیز باید این تأکید با واژگانی چون «هیچ‌گونه»، «هیچ‌نوع» یا «ابداً» تقویت شود.

ترجمه پیشنهادی: «به خدا قسم، که هیچ چیز از حق را نپوشانده و هیچ نوع دروغی بر زبان نیاوردم»

(۵) وَاللَّهِ لَوْ إِنَّمَا تَقُلُوبُكُمْ أَنِمَاءً. (خطبه، ۵۴)

معادی خواه: «به خدا سوگند اگر که از عشق یا ترس او قلبهاتان بگدازد».

دشتی: «به خدا سوگند اگر دل های شما از ترس آب شود».

در این بخش، مصدر «انمیاثاً» مفعول مطلق تأکیدی فعل «إنماتت» است که بر شدت ذوب شدن قلبها از خوف الهی دلالت دارد. در ترجمه معادی خواه، جمله به شکل خبری و توصیفی آمده و اشاره‌ای مستقیم به مفعول مطلق نشده است. دشتی نیز با عبارت «اگر دل‌های شما از ترس آب شود» تلاش کرده است پیام معنایی را منتقل کند، اما مفعول مطلق را حذف کرده و تأکید نحوی جمله از بین رفته است.

در این گونه ساختارها، ترجمه مفعول مطلق تأکیدی باید بار شدت و استمرار را حفظ کند. حذف آن منجر به تضعیف پیام بلاغی جمله می‌شود.

ترجمه پیشنهادی: «به والله سوگند که قلبهاتان همواره از ترس آب خواهد شد».

(۶) وَمَدِينُونَ جَزَاءً. (خطبه، ۸۳)

معادی خواه: «پاداشی سزاوار را نصیب برند».

دشتی: «برای گرفتن پاداش به دقت حسابرسی می‌گردند».

در این جمله کلمه «مدینون و جزاء» هم معنا هستند. به همین جهت «جزاء»

جانشین مفعول مطلق تأکیدی است. (عارف، محمد صادق؛ ۱۳۷۵: ۵۲۳)

در این عبارت، مصدر «جزاء» مفعول مطلق تأکیدی برای مفهوم «مدینون» است که نوعی تضمین تحقق پاداش را افاده می‌کند. ترجمه دشتی با عبارت «به دقت

حسابرسی می‌شوند» و معادی‌خواه با «پاداشی سزاوار را نصیب برند» هر دو به نتیجه فعل اشاره کرده‌اند، اما هیچ‌یک ساختار نحوی مفعول مطلق را منتقل نکرده‌اند.

از آنجا که مفعول مطلق در اینجا برای تأکید بر قطعیت تحقق جزا به کار رفته است، حذف آن موجب کاهش قدرت پیام آیه می‌شود.
ترجمه پیشنهادی: «حقیقتاً پاداشی داده خواهند شد.»

(۷) وَتَغِيضُ الْكِرَامِ غَيْضًا (خطبه، ۱۰۸)

معادی‌خواه: «و پاکان و بزرگان فرو می‌خشکنند»

دشتی: «نیکان و بزرگواران کمیاب می‌شوند.»

در این آیه، مصدر «غیضاً» مفعول مطلق تأکیدی است که شدت کاهش و نابودی بزرگان در دوران فتنه را نشان می‌دهد. هر دو ترجمه فاقد انعکاس مفعول مطلق هستند. دشتی با عبارت «کمیاب می‌شوند» و معادی‌خواه با «فرو می‌خشکنند» تنها نتیجه فعل را نشان داده‌اند و وجه تأکیدی ساختار نحوی را حذف کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: «و پاکان و بزرگواران همگی به یکبارگی فروریزند»

(۸) وَ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا نَجِيْبُهُ وَبِعَيْتِهِ شَهَادَةٌ يُوَافِقُ السِّرَّ الْأَعْلَانَ

وَالْقَلْبُ اللَّسَانِ (خطبه، ۱۳۲)

معادی‌خواه: «و گواهی می‌دهیم که جز او پرستیده برحق نیست، و محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد گزیده و پیک اوست، چنان گواهی که در آن، درون و برون و قلب و زبان هماهنگ است.»

دشتی: «و گواهی می‌دهم که خدا یکی است، و جز او خدایی نیست، و گواهی

میدهیم که حضرت محمد (ص) برگزیده و فرستاده اوست. آن گواهی که با او درون

و بیرون قلب و زبان هماهنگ باشد».

در اینجا، «شهادة» مفعول مطلق نوعی است که همراه با صفت توضیحی آمده و نوع گواهی را بیان می‌کند. ترجمه دشتی اگرچه مفهوم را منتقل کرده، اما با تغییر ضمیر جمع به مفرد («گواهی می‌دهم» به جای «می‌دهیم»)، دقت نحوی را تضعیف کرده است. معادی خواه هم اگرچه ساختار را بهتر حفظ کرده، ولی در ترجمه مفعول مطلق و تأکید بر نوع شهادت، توضیح بلاغی کافی نداده است.

(۹) أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ كَشَفَ الْخَلْقَ كَشْفَهُ. (خطبه، ۱۴۴)

معادی خواه: «هشدار که خداوند از چهره خلق پرده بر گیرد».

دشتی: «که خداوند از درون بندگان پرده برمیگیرد».

((کلمه مصدر مره است. (مصدر مره، مصدری است که بر یک بار به وقوع پیوستن فعل دلالت می‌کند)) (شرتونی، رشید؛ ج ۴ : ۶۳). لذا هر وقت مفعول مطلق، بر وزن «فَعَلَةٌ» بیاید مفعول مطلق عددی است. در این عبارت، مصدر «كَشْفَهُ» مفعول مطلق عددی برای فعل «كَشَفَ» است و بر وقوع یک‌بار و ناگهانی افشاگری خداوند نسبت به حقیقت خلقت دلالت دارد. در ترجمه دشتی، بیان «از درون بندگان پرده برمی‌گیرد» اگرچه مفهوم کلی را منتقل می‌کند، اما اشاره‌ای به تأکید زمانی یا دفعتی فعل ندارد. معادی خواه نیز با بیان «از چهره خلق پرده برگیرد» همین رویکرد را دنبال کرده و مصدر مره را به درستی منتقل نکرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: «هشدار به شما که خداوند بیکبارگی و ناگهانی از آفرینش

خود، پرده بر خواهد داشت».

(۱۰) وَمِنْ قَبْلُ مَا مَثَلُوا بِالصَّالِحِينَ كُلِّ مَثَلَةٍ. (خطبه، ۱۴۷)

معادی خواه: «که پیش از آن با هرگونه آزار صالحان را شکنجه دادند».

دشتی: «ودر گذشته نیکوکاران را کیفر داده».

((هرگاه «کل» یا «بعض» یا صفات تفضیلی به مصدر فعل اضافه شده باشد، نقش نائب مفعول مطلق را دارد. در این صورت با قید مقدار (کیفیت) ترجمه می‌شود)) (زرکوب، ۱۳۸۸: ۹۹) قیودی همچون «بسیار، اندک، کاملاً». هر دو مترجم مفعول مطلق را بدرستی ترجمه کرده و بررسی این خطبه صرفاً برای نکته نحوی و نقش نائب مفعول مطلق است.

نحویان سبحان را در حالتی مفعول مطلق می‌نامند که به عنوان مفعول مطلق که عامل آن محذوف است اضافه شده باشد که در ترجمه بصورت (خدای پاک و منزّه، خداوند پاک، پاک‌خدایی) می‌باشد. در ترجمه دشتی، عبارت «نیکوکاران را کیفر داده» کلی است و شدت و تعدد رفتارها را نمی‌رساند. معادی‌خواه نیز «با هرگونه آزار» را به‌کار برده که به اصل نحوی نزدیک‌تر است اما همچنان از بار عاطفی و بلاغی جمله فاصله دارد.

کلمه «سُبْحان» یکی دیگر از مواردی می‌باشد که در نهج البلاغه مفعول مطلق آمده و عامل آن حذف شده.

(۱۱) وَأَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلِ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ (خطبه، ۱۶۱)

معادی خواه: «و من، روی بر تافته از همگان و بازگشته به خدا، به او توکل

می‌کنم».

دشتی: «برخدا توکل می‌کنم توکلی که بازگشت به سوی او باشد».

مصدر «تَوَكَّلِ الْإِنَابَةَ» مفعول مطلق نوعی است که نوع توکل را مشخص

می‌سازد و آن را با «بازگشت از روی اخلاص» توصیف می‌کند.

در ترجمه دشتی، این معنا به خوبی با جمله «تو کلی که بازگشت به سوی او باشد» منتقل شده و ساختار نحوی نیز حفظ شده است. معادی خواه اما با حذف مصدر و تنها ترجمه مفهومی عبارت، مفعول مطلق را کلاً نادیده گرفته است.

(۱۲) وَلَعُمْرِي لَيُضَعَفَنَّ لَكُمْ التَّيْهَ مِنْ بَعْدِي أضعافاً بما خَلَفْتُمْ الْحَقَّ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ.
(خطبه، ۱۶۶)

معادی خواه: «به جان خویشم سوگند، که این سر در گمی هرروز فزونی خواهد یافت، چرا که شما حق را پشت سر نهادید».

دشتی: «به جانم سوگند، سرگردانی شما پس از من بیشتر خواهد شد چرا که به حق پشت کردید».

کلمه «أضعافاً» مفعول مطلق عددی (جمع) است و نشان دهنده افزایش شدید و چندبرابری حیرت و گم گشتگی است. این مصدر در جایگاه تأکید بر نتیجه غفلت از حق آمده است.

هر دو مترجم از ترجمه روشن و عددی این مصدر غفلت کرده اند و مفهومی کلی از زیادت را آورده اند. در حالی که تأکید قرآن گونه جمله بر چند برابر شدن گمراهی پس از ترک حق است.

ترجمه پیشنهادی: «به خودم قسم که این حیرانی شما بعد از من چند برابر می شود؛ به این دلیل که حق را نادیده گرفتید».

(۱۳) وَاللَّهِ مَا أَرَى عَبْدًا يَتَّقِي تَقْوَى تَنْفَعُهُ حَتَّى يَخْزُنَ لِسَانَهُ. (خطبه، ۱۷۶)

معادی خواه: «به خدا سوگند که من در تجربه های خویش بنده ای را ندیدم که بی نگاهداشت زبان خویش، از تقوای خود بهره ببرد».

شهیدی: «به خدا سوگند پرهیزکاری را ندیده ام که تقوا برای او سودمند باشد

مگر آنکه زبان خویش را حفظ کرده بود.»

معادی‌خواه این کلمه را در ترجمه وارد نکرده و جمله را خبری کرده است. دشتی نیز با ترجمه «که تقوا برای او سودمند باشد» توانسته است معنا را منتقل کند، اما هنوز عنصر تأکید به درستی در ترجمه ننشسته است. ترجمه پیشنهادی: «به خدا قسم، بنده‌ای را نمی‌بینم که تقوایی سودمند داشته باشد مگر در صورتی که زبان خود را نگه دارد».

(۱۴) أَلَذَى كَلَّمَ مُوسَى تَكْلِيمًا (خطبه، ۱۸۲)

معادی‌خواه: «هموکه با موسی بدان‌سان هم سخن شد که وصف نپذیرد». دشتی: «خدایی که بدون اعضاء و جوارح و زبان و کام با حضرت موسی سخن گفت». کلمه «تکلیماً» مفعول مطلق تأکیدی است که بر شدت و واقع‌مندی سخن گفتن خدا با موسی (ع) تأکید دارد.

دشتی به کلی این ساختار را نادیده گرفته و معادی‌خواه هم آن را در ترجمه پوشیده و غیرمستقیم آورده است. در حالی که تأکید این مصدر در اثبات کلام مستقیم الهی اهمیت دارد. ترجمه پیشنهادی: «کسی که (خداوند) با موسی چه کلامی که در میان نداشته است».

(۱۵) وَ أَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءُ أَبْرَارٌ أَتَقِيَاءُ؛ قَدْ بَرَاهُمُ الْخَوْفَ بَرَى الْقِدَاحِ، يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسِبُهُمْ مَرَضَى وَ مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ وَ يَقُولُ قَدْ خُولِطُوا. (خطبه، ۱۹۳)

معادی خواه: «چون شب به روز آید، بردبارانی دانشمند و نیکانی پارسایند، ترس چونان تیر چوبیشان، تراشیده است. هر آنکه به آنان می‌نگرد، بیمارشان می‌پندارد، در حالی که هیچ بیماریشان نباشد، و دیوانه‌شان می‌انگارد».

دستی: «پرهیزکاران در روز دانشمندانی بردبار و نیکو کارانی با تقوا هستند که ترس الهی آنان رو چنان تیر تراشیده لاغر کرده است کسی که به آنها می‌نگرد می‌پندارد که بیمارند اما آنان راییماری نیست و می‌گویند مردم در اشتباهند»

مصدر «بَرَى» مفعول مطلق نوعی (تشبیهی) است که با تعبیر «بری القداح» مقایسه و شباهت عمل را به نمایش می‌گذارد؛ یعنی ترس الهی چنان وجود مؤمنان را تراشیده که تیرهای چوبی را در ذهن تداعی می‌کند.

در هر دو ترجمه، تشبیه به‌درستی آمده، اما واژه «القداح» (تیرها) به اشتباه مفرد ترجمه شده. همچنین در ترجمه دستی روانی بیشتر ولی در ترجمه معادی‌خواه دقت نحوی بیشتر است.

ترجمه پیشنهادی: «ترجمه ی پیشنهادی بنده بیشتر نزدیک به ترجمه ی دستی می‌باشد که از روانی بیشتری برخوردار است».

۱۶) یا بَنِي عَبْدِ الْمُطَلِّبِ لَا أَلْفَيْنَكُمْ تَخُوضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْضًا. (نامه، ۴۷)

معادی خواه: «ای فرزندان عبدالمطلب، مبدا که با باز گفت پیایی «امیر مؤمنان کشته شد» در خون مسلمانان غوطه ور شوید».

دستی: «ای فرزندان عبدالمطلب مبدا پس از من دست به خون مسلمین فرو برید و دست به کشتار بزنید».

مصدر «خَوْضًا» مفعول مطلق نوعی است که شدت و حالت کشتار را در قالب «در خون غوطه‌ور شدن» نشان می‌دهد.

هر دو مترجم ساختار را ساده و غیر بلاغی ترجمه کرده‌اند و از شدت ناگهانی،

بی‌مهابایی و حالت غوطه‌وری غفلت کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: «ای فرزندان عبدالمطلب، هرگز با شنیدن جمله ی « امیر مؤمنان به شهادت رسید» ناگهان و بی‌کبارگی دست به کشتار مسلمانان نزنید».

(۱۷) فَإِنْ كَانَ لَهُ مَاشِيَةٌ أَوْ إِبِلٌ فَلَا تَدْخُلْهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَإِنَّ أَكْثَرَهَا لَهُ، فَإِذَا أَتَيْتَهَا فَلَا تَدْخُلْ عَلَيْهَا دُخُولَ مُتَسَلِّطٍ عَلَيْهِ وَلَا عَنِيفٍ بِهِ. (نامه، ۲۵)

معادی خواه: «اگر (اموالی از نوع) گاو، گوسفند و شتر داشت، بی‌اجازه و سرزده بر آن داخل مشو، زیرا که (هرچند تورا به عنوان نماینده ولی امر، سهمی در آن است، اما) بیشتر آن ملک اوست، بنابراین به هنگام آمدن بدان جا نباید با آهنگ زور و سلطه، بر آن دامها وارد شوی».

دشتی: «واگر دارای گوسفند یا شتر بود بدون اجازه اش داخل نشو که اکثر اموال از آن اوست آنگاه که داخل شدی مانند اشخاص سلطه‌گر و سختگیر رفتار نکن».

از آنجایی که در ترجمه مفعول مطلق نوعی بیشتر از قیود تشبیه استفاده می‌شود در اینجا شاهد ترجمه مفعول مطلق به اشتباه وبه صورت منفی از آقای معادی خواه هستیم اما آقای دشتی مفعول مطلق را در جمله به زیبایی و روانی ترجمه کرده است.

(۱۸) فَأَقِمِ عَلَى مَا فِي يَدَيْكَ قِيَامَ الْحَازِمِ الصَّلِيبِ وَ النَّاصِحِ اللَّيْبِ وَ التَّابِعِ لِسُلْطَانِهِ الْمُطِيعِ لِأَمَامِهِ. (نامه، ۳۳)

معادی خواه: «پس با آنچه در دست تو است - چونان مسئولی پابرجا و استوار و و خیر خواه و خردمند که پیرو قدرت مافوق و فرمانبردار امام خویش است- پایداری کن».

دشتی: «پس در اداره امور خود هشیارانه و سرسختانه استوار باش، نصیحت دهندایی عاقل پیرو حکومت و فرمانبردار امام خود باش».

معادی خواه در ترجمه خود مفعول مطلق را به صورت کاملاً دقیقی و با استفاده از قید چونان زیبایی دوچندانی بر ترجمه بخشیده است. مصدر «قیام» مفعول مطلق نوعی است. یعنی نوع ایستادگی و مدیریت را توصیف می‌کند.

معادی خواه ساختار را با قید «چونان...» به درستی ترجمه کرده، در حالی که دشتی با حذف مصدر، مفعول مطلق را از بین برده است.

اما در ترجمه دشتی شاهد کلمه ایی که مربوط به ترجمه مفعول مطلق باشد نیستیم. پس برای ترجمه پیشنهادی با آقای معادی خواه هم نظر می‌باشم.

(۱۹) وَ مَنْ زَاغَ سَاءَتْ عِنْدَهُ الْحَسَنَةُ وَ حَسُنَتْ عِنْدَهُ السَّيِّئَةُ وَ سَكِرَ سَكْرَ الضَّلَالَةِ. (حکمت ، ۳۱)

معادی خواه: «وآن که به این دلیل، دلش زنگار بندد، زشتی در نگاهش زیبا و زیبایی زشت بنماید و مست گمراهی شود».

دشتی: «وآنکس که از راه حق منحرف گردید نیکویی را زشت و زشتی را نیکویی پنداشت و سرمست گمراهی ها گشت».

مصدر «سکر» مفعول مطلق نوعی است. حالت مستی از نوع گمراهی را نشان می‌دهد؛ مستی فکری، نه جسمی.

دشتی این معنا را با واژه «سرمست گمراهی‌ها» خوب منتقل کرده، اما معادی خواه کمی مبهم ترجمه کرده و ساختار عربی را در هم ریخته است.

ترجمه پیشنهادی: «کسی که از راه درست بازگردد. خوبی را زشت و بدی را خوبی می‌بیند. و به صورت گمراه گونه ایی مست گردد».

(۲۰) إِعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لَا عَقْلَ رِوَايَةٍ. (حکمت ، ۹۸)

معادی خواه: «چون خبری را شنیدید، به آیین پاسداران فرهنگ - ونه روایت گران سطحی - ژرف در آن بیندیشید».

دشتی: «چون روایتی را شنیدید آن را بفهمید عمل کنید نه بشنوید و نقل کنید».

دو مصدر «عقل» مفعول مطلق نوعی هستند و دو شیوه درک را نشان می‌دهند: «فهم ژرف» در برابر «فهم سطحی و صرف روایت». دشتی معنای عرفی را ترجیح داده و تا حدی ساده کرده؛ معادی خواه مفهومی اما ادبی تر کار کرده است.

ترجمه پیشنهادی: «هروقتی که خبر را شنیدید، محافظت گونه و عمیق در آن بیندیشید نه به صورت روایت گرانه و سطحی».

(۲۱) مَامَزَحَ إِمْرَةٌ مَزْحَةً. (حکمت، ۴۵۰)

معادی خواه: «با هر شوخی».

دشتی: «هیچ کس شوخی بیجا نکند».

مصدر «مَزْحَةً» مفعول مطلق عددی (مصدر مره) است. تأکید بر یکبار شوخی بی‌جاست.

هر دو مترجم ضعف جدی دارند: معادی خواه ساختار جمله را نیمه‌کاره گذاشته و دشتی نیز از معنای دفعتی و بلاغی غفلت کرده است.

ترجمه پیشنهادی: «هیچ کسی برای یبار هم که شده شوخی نکرده است».

۲۲. فَسَبَّحَانَ اللَّهِ مَا أَعْرَّ سُورَهَا. (خطبه، ۱۱۴)

معادی خواه: « سبحان الله! شادی دنیا چه پر فریب ».

دشتی: « سبحان الله شادی دنیا چه فریبنده است ».

«سبحان الله» در این جا مفعول مطلق است که عامل آن محذوف است و بر

تعجب، بزرگ‌نمایی و تنزیه خداوند در برابر فریب دنیا دلالت دارد. ترجمه هر دو مترجم این واژه را بدون معادل فارسی آورده‌اند. در حالی که در فارسی باید «پاکا خدایی» یا «منزه است خداوند» آورده شود.

۲۳. فَسُبْحَانَ اللَّهِ ، مَا أَقْرَبَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ لِلْحَاقَّةِ بِهِ (همان) معادی خواه: «و شگفتا که چه نزدیک است هرزنده‌ای به مردگان».

دشتی: «پس منزه و پاک است خداوند چقدر زنده به مرده نزدیک است».

در ترجمه معادی خواه کلمه سبحان الله که در نقش مفعول مطلق می باشد را حتی کوچک ترین اشاره ای بهش نشده یک احتمال وجود دارد که ایشان عطف به ما قبل کرده است که حتی در این حالت نیز معادلی فارسی برایش نیاورده است اما دشتی مفعول مطلق را به درستی و زیبایی معادل سازی نموده است.

ترجمه پیشنهادی ترجمه زیبای آقای دشتی می باشد

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی عملکرد دو مترجم برجسته نهج البلاغه، یعنی عبدالمجید معادی خواه و محمد دشتی، در معادل‌یابی ساختار نحوی «مفعول مطلق» صورت گرفت. در این راستا، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه نقد متن محور، نمونه‌هایی از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه استخراج و ترجمه‌های آن‌ها تحلیل شد. تمرکز اصلی بر سه نوع رایج مفعول مطلق در نحو عربی یعنی تأکیدی، نوعی و عددی بود تا بتوان دقت، کارآمدی و سبک هر مترجم را در انتقال این ساختارها به زبان فارسی ارزیابی کرد.

یافته‌ها نشان داد که هر یک از مترجمان از رویکرد متفاوتی در ترجمه استفاده کرده‌اند. معادی خواه غالباً به زبان مبدأ وفادار مانده و تلاش کرده است ساختارهای

نحوی و بلاغی متن عربی، از جمله مفعول مطلق را در قالب‌های مفهومی یا استعاری و با کمک قیود و توصیف‌های نزدیک به معنا در فارسی، بازنمایی کند. در مقابل، دشتی به سمت ترجمه‌ای روان، ساده و مخاطب‌محور رفته و در موارد متعددی با حذف یا ساده‌سازی ساختار مفعول مطلق، تمرکز خود را بر فهم‌پذیری بیشتر متن نزد عموم قرار داده است.

از مجموع تحلیل انجام‌شده، نتایج زیر به دست آمد:

در ترجمه مفعول مطلق تأکیدی (۲۸ مورد):

معادی‌خواه در ۱۶ مورد معادل‌سازی دقیقی داشته است.

دشتی در ۱۴ مورد ترجمه‌ای موفق ارائه داده است.

هر دو مترجم در مواردی بدون توجه به نقش تأکیدی این ساختار، آن را نادیده گرفته‌اند که منجر به کاهش قدرت بلاغی و تأکید در پیام اصلی شده است.

در ترجمه مفعول مطلق نوعی (۱۳۳ مورد):

معادی‌خواه ۱۱۸ مورد را به‌درستی معادل‌سازی کرده و تنها در ۱۵ مورد ضعف یا خطا دیده شده است.

دشتی نیز در ۱۱۷ مورد ترجمه دقیق داشته و در ۱۶ مورد دیگر یا معادل‌سازی نکرده یا دچار خطا شده است.

دلیل موفقیت هر دو مترجم در این حوزه، وجود ظرفیت‌های زبانی در فارسی برای بازنمایی نوع فعل با استفاده از قیود تشبیهی نظیر «همچون»، «چونان»، «بسان» و... بوده است.

در ترجمه مفعول مطلق عددی (۹ مورد):

معادی‌خواه در ۴ مورد موفق عمل کرده، اما در ۵ مورد آن را حذف کرده یا نادیده گرفته است.

دشتی ۵ مورد را به‌درستی ترجمه کرده و ۴ مورد را حذف نموده است.

این ساختار در ترجمه دشوارتر بازنمایی شده و در زبان فارسی به‌ندرت معادل مستقیم دارد.

از مجموع این یافته‌ها چنین برمی‌آید که ترجمه مطلوب از نهج‌البلاغه، خصوصاً در بازنمایی ساختارهایی مانند مفعول مطلق، مستلزم تلفیقی از دقت زبانی و بلاغی با روانی و مخاطب‌فهمی است. ترجمه معادی‌خواه از منظر نحوی و ساختاری به زبان عربی نزدیک‌تر است، اما گاه پیچیدگی آن ممکن است برای مخاطب عام دشوار باشد. ترجمه دشتی در عوض با روانی و سادگی همراه است، اما در برخی موارد ساختارهای نحوی مهم نظیر مفعول مطلق حذف شده و موجب تضعیف پیام اصلی می‌گردد.

پیشنهاد می‌شود برای ترجمه‌های آینده نهج‌البلاغه، به‌ویژه در حوزه‌های

تخصصی زبان و ترجمه‌شناسی، الگویی ترکیبی از دقت بلاغی معادلی‌خواه و روانی بیانی دشتی اتخاذ شود؛ به‌گونه‌ای که هم وفاداری به ساختار متن مبدأ رعایت گردد و هم مخاطب‌محوری در زبان مقصد حفظ شود.

نمودار جدولی:

تعداد کلی	۲۴۵
-----------	-----

جدول کلی به تفکیک

تاکیدی	۲۸
نوعی	۱۳۳
عددی	۹
سبحان و...	۷۵

تاکیدی	معادل سازی شده	معادل سازی نشده	معادل سازی اشتباه
معادلی خواه	۱۶	۱۲	۰
دشتی	۱۴	۱۴	۰

بررسی عملکرد مترجمان در مفعول مطلق تاکیدی

-بررسی عملکرد مترجمان در مفعول مطلق نوعی

معادل سازی اشتباه	معادل سازی نشده	معادل سازی شده	نوعی
۳	۱۲	۱۱۸	معادی خواه
۱	۱۵	۱۱۷	دشتی

-بررسی عملکرد مترجمان در مفعول مطلق عددی

معادل سازی اشتباه	معادل سازی نشده	معادل سازی شده	عددی
۰	۵	۴	معادی خواه
۰	۴	۵	دشتی

منابع:

(۱) منابع فارسی

الف) کتب

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. کردی، علی (۱۳۷۸). استاد شهید به روایت اسناد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی. چاپ اول.
۲. دشتی، محمد (۱۳۸۰). ترجمه نهج البلاغه. قم: موسسه فرهنگی تحقیقات امیرالمومنین. چاپ اول.
۳. میمندی نژاد، محمدجواد (۱۳۵۸). اصول ترجمه. تهران: مؤسسه انتشارات. چاپ دوم.
۴. معادیخواه، عبدالمجید (۱۳۷۴). خورشید بی غروب. تهران: نشر ذره. چاپ اول.
۵. محمد صادق، عارف و دیگران (۱۳۷۵). ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. ج ۱. ص ۵۲۳.
۶. دشتی، محمد (۱۳۷۸). اسناد و مدارک نهج البلاغه. قم: امیرالمؤمنین. چاپ اول.
۷. زرکوب، منصوره (۱۳۸۸). فن ترجمه. اصفهان: نشر مانی. چاپ اول.

(ب) مقالات

۱. امرایی، محمدحسن. معروف، یحیی. (۱۳۹۷). تحلیل تطبیقی اشکالات نحوی ترجمه قرآن حداد عادل و فولادوند (مطالعه موردی: مفعول مطلق). مطالعات سبک شناختی قرآن کریم. سال دوم شماره ۱ (پیاپی ۳).
۲. ولک، رنه. وارن، آستین (۱۳۷۳). نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. فتح الهی، ابراهیم. (۱۳۹۴). روش شناسی مطالعات دینی. شماره ۱. سال دوم.
۴. خانی کلکائی، حسین. حلال خور، کوثر. (۱۳۹۴). بررسی ترجمه و معادل ساختاری مفعول مطلق با محوریت ترجمه فولادوند (بررسی موردی سوره نساء). مجله دو فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. شماره ۱۲. سال ۵.
۵. قلی زاده، حیدر. (۱۳۸۸). مفعول مطلق و معادل ساختاری آن بر اساس ساختار زبانی قرآن کریم. در دانشنامه موضوعی قرآن.
۶. ناظمیان، رضا. (۱۳۹۲). ساخت و بافت در ترجمه متون دینی بررسی مقایسه ای دو ترجمه از نهج البلاغه (شهیدی و دشتی). فصلنامه ادب عربی. شماره: ۱. دوره: ۵.
۷. مسعودی، عبدالهادی. فلاح زاده ابرقویی، حسین. (۱۳۹۲). نقدی بر ترجمه‌ی استاد دشتی «ره» از حکمت‌های نهج البلاغه. پژوهشنامه نهج البلاغه. شماره ۴. دوره ۱.

ج) پایان نامه

۱. شاه نظری، حسنعلی (۱۳۹۵). مفعول مطلق در ترجمه نهج البلاغه «مورد

پژوهانه: ترجمه معادیکخواه و شهیدی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم
 ۲. ملکوتی، سید سعید (۱۳۷۹). نقد و بررسی برابرنهاده‌های مفعول مطلق در
 قرآن کریم. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران
 ۳. ذوالفقاری فرد، زهرا (۱۳۹۱). نقد و بررسی مفعول مطلق در قرآن بر اساس
 ترجمه‌های آقایان ابوالفضل بهرام پور، ابوالقاسم پاینده و کاظم پورجوادی. پایان
 نامه کارشی ارشد. دانشگاه قم

(د)سایت:

[www://maarefquran.org/index.php/page,viewArticle/LinkID,8892](http://www.maarefquran.org/index.php/page,viewArticle/LinkID,8892)

(۲) منابع عربی

۱. غنیمی، هلال محمد (۱۹۸۷). الادب المقارن. بیروت: دارالعودة. چاپ سیزدهم.
۲. عبود، عبده. حمود، ماجد. و السید، غسان (۲۰۰۱). الادب المقارن. دمشق.
۳. الخطیب، حسام (۱۹۹۹). آفاق الادب المقارن. عربیاً و عالمیاً. دمشق: دارالفکر.
۴. طحان، رعیون (۱۹۷۲). الادب المقارن و الادب العالم. بیروت: دارالکتاب اللبنانی.
۵. گویارد، فرانسوا (۱۹۵۶). الادب المقارن، ترجمه محمد غلاب. قاهره: لجنة

البيان العربی

۶. ابن منظور، محمد (۱۴۰۸). لسان العرب . بیروت : دار احیاء التراث العربی . چاپ اول .
۷. شکری، غالی (۱۹۷۰). ادب المقاومة. قاهره: دارالمعارف مصر.
۸. شوقی، احمد عبدالجواد رضوان (۱۹۹۰). مدخل الى الدرس الادبی المقارن. بیروت: دارالعلوم.
۹. غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳). ادبیات تطبیقی. ترجمه سید مرتضی شیرازی، تهران :امیر کبیر .
۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۷). النهج المرضیه فی شرح الألفیه. قم، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۲۱.
۱۱. حسن، عباس (۱۳۷۵). النحو الوافی. مصر: دارالمعارف. چاپ سوم. ج ۲. ص ۱۹۶-۱۹۷.
۱۲. فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی. قم: مؤسسه دار الهجرة چاپ اول، ج ۲، ص ۳۷۶.
۱۳. محمد بن مکرم، ابن منظور جمال الدین (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر أدب الحوزة. ج ۱۱. ص ۵۲۸.
۱۴. ابن مالک، علی بن محمد بن عیسی. ابن مالک، محمد بن عبدالله (۱۴۱۹). حاشیه الصبان علی شرح الأشمونی علی الفیه ابن مالک. بیروت: دار الفکر. چاپ اول. ج ۲. ص ۶۲۵.
۱۵. شرطونی، رشید (۱۳۸۸). مبادئ العربیه :اساطیر. جلد ۴.